

نظریه راهنما
یا
هندسه نیازهای صادق
یا
نقطه آغاز طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
سلیمان خاکبان^۱

چکیده

در این مقاله بر دو نکته کلیدی تمرکز و تأکید شده است: نکته اول، ارایه تعریفی شفاف و قابل توجیه از چیستی «پیشرفت»، بویژه «پیشرفت اسلامی»، بالاخص «پیشرفت اسلامی - ایرانی»؛ نکته دوم، توضیح و توجیه نقطه آغاز طراحی الگوهای پیشرفت، اعم از اسلامی و غیراسلامی. «پیشرفت» به معنای «توانایی پاسخ به هندسه نیازهای صادق انسان»، و «پیشرفت اسلامی» به معنای «استفاده از پاسخهای اسلامی و مورد تأیید دین مبین اسلام برای هندسه نیازهای صادق انسان»، و «پیشرفت اسلامی - ایرانی» به معنای «استفاده از پاسخهای اسلامی و مورد تأیید دین مبین اسلام در چارچوب امکانات و فرهنگ سرزمین ایران» تعریف شده است. از آنجا که در این تعریف تکیه و تمرکز بر «هندسه نیازهای صادق انسان» است لذا بحثی نسبتاً مبسوط در باره نیازها، اعم از صادق و کاذب، در طول مراحل ششگانه رشد و بلوغ با توجه به سایر عوامل مؤثر بر تحول و تنوع نیازها ارایه شده است. در نهایت، دستیابی به درکی «کامل» و «سیستمی» از نیازهای صادق انسان (هندسه یا شبکه نیازها) به عنوان «نقطه آغاز طراحی الگو» معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: نیاز، نیازهای صادق، نیازهای کاذب، هندسه نیازها، نظریه راهنما، پیشرفت، اسلامیت، ایرانیت

۱. مقدمه: چیستی و چرایی نظریه راهنما

کسانی که دغدغه طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یا هر الگوی دیگر از توسعه را دارند دست کم به سه علت به یک نظریه راهنما نیاز دارند:

دلیل اول. طراح در مقام طراحی الگو نیاز به یک نقطه شروع یا عزیمت دارد. براستی نقطه شروع و عزیمت ما در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست؟

دلیل دوم. طراح با حجم گسترده و متنوعی از مباحث مربوط به توسعه مواجه است. برخی از این مباحث نتیجه تفکر و اندیشه دیگران است و برخی نیز ممکنست از تراوشات ذهنی خودش باشد. در هر صورت برای طراحی الگوی موردنظر نیاز به انتخاب و گزینش مباحث دارد، و انتخاب و گزینش نیز نیاز به ملاک و معیار.

این نظریه راهنما است که به طراح می‌گوید کدام بحث از مباحث توسعه برای طراحی الگوی مورد نظر لازم و مفید است یا نیست.

دلیل سوم، طراح علاوه بر نیاز به «نقطه شروع» و «معیار گزینش» باید بداند که کدام مطلب را در کجا قرار دهد. باز، این نظریه راهنما است که محل مطالب لازم و مفید را مشخص می‌کند. از آنچه گذشت دو نکته روشن شد: یکی چستی نظریه راهنما براساس کارکردهای سه‌گانه‌اش (نقطه شروع طراحی الگو + معیار انتخاب و گزینش مطالب و مباحث لازم و مفید از میان حجم انبوه داده‌ها و اطلاعات + سازمان دادن به داده‌ها و اطلاعات)؛ و دیگری ضرورت و چرایی نظریه راهنما.

۲. طرح مسئله

قبل از طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید درکی درست و شفاف از «چستی پیشرفت» و «نقش اسلامیت و ایرانیت در پیشرفت» داشته باشیم.

۳. چستی پیشرفت

هرچند دیدگاه‌های گوناگون در باره پیشرفت وجود داشته و دارد اما به نظر بنده «پیشرفت» یعنی «توانایی پاسخ به نیازها».

۴. سطوح پیشرفت

از آنجا که پاسخ به نیازها ممکن است در سطح فرد یا خانواده یا جامعه طرح شود لذا با سه سطح از پیشرفت مواجهیم:

- پیشرفت فردی یا فرد پیشرفته؛

- پیشرفت خانوادگی یا خانواده پیشرفته؛

- پیشرفت اجتماعی یا جامعه پیشرفته.

پس، «انسان و خانواده و جامعه پیشرفته» یعنی «انسان و خانواده و جامعه‌ای که قادر است نیازهای خود را تأمین کند». البته، این بدان معنا نیست که همه نیازها را خود تولید کنیم؛ زیرا نسبت میان «تأمین» و «تولید» عام و خاص مطلق است. (لطفاً دقت شود)

۵. درجات پیشرفت

از آنجا که «توانایی پاسخ به نیازها» از دو بعد «کمی» و «کیفی» یک امر تشکیکی و ذمراتب است لذا پیشرفت نیز یک مقوله تشکیکی و ذمراتب است. به همین جهت می‌توان افراد و خانواده‌ها و جوامع را براساس میزان توانایی در پاسخ به نیازها به درجات گوناگون تقسیم کرد؛ که معمولاً در ادبیات رایج توسعه با سه درجه مواجهیم:

- توسعه یافته؛

- در حال توسعه؛

- توسعه نیافته.

۶. شاخص‌های اندازه‌گیری پیشرفت

برای آنکه با شاخصهای اندازه‌گیری پیشرفت آشنا شویم نخست باید درکی شفاف از خود «شاخص» داشته باشیم.

براساس تعریفی که از پیشرفت ارایه شد «هر یک از نیازها» خود، یک «شاخص» است. به عنوان مثال: اگر «آب شرب بهداشتی» یکی از نیازهای انسان باشد، که هست، می‌شود یک «شاخص». اما از آنجا که خود شاخصها (مثلاً آب شرب بهداشتی) به تنهایی قادر به اندازه‌گیری پیشرفت نیستند، لذا باید عنصر «کمیت» را به آنها افزود. به عبارت دیگر: شاخصها هنگامی می‌توانند وارد چرخه اندازه‌گیری یا سنجش شوند که «کمی» شوند.

به عنوان مثال: اگر مقدار آب شرب بهداشتی مورد نیاز مردم یک جامعه ۱۰۰ واحد باشد، اکنون یک «شاخص کمی» یعنی «۱۰۰ واحد آب شرب بهداشتی» در اختیار داریم که در پرتو آن می‌توان جامعه خود و جوامع دیگر را ارزیابی و حتی مقایسه کرد.

میزان دسترسی مردم به آب شرب بهداشتی	شاخص کمی	نوع جامعه
۱۰۰٪ - ۵۱٪		جامعه A: پیشرفته
۵۰٪ - ۱٪		جامعه B: در حال پیشرفت
۰٪		جامعه C: عقب‌مانده

برای اندازه‌گیری دقیق‌تر پیشرفت و عقب‌ماندگی غیر از «شاخص» و «شاخص کمی» به شاخص دیگری به نام «شاخص کیفی» نیازمندیم.

به عنوان مثال: «درجه کیفیت آب شرب بهداشتی» می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از «شاخصهای کیفی» در ارزیابی دقیق‌تر جوامع مورد استفاده قرار گیرد. اگر با دو درجه آب شرب بهداشتی مواجه باشیم، از ترکیب شاخص کمی و کیفی به نوع جدیدی از ارزیابی می‌توان دست یافت که دقیق‌تر است.

میزان دسترسی مردم به آب شرب بهداشتی		شاخصهای کمی و کیفی		نوع جامعه
درجه ۲	درجه ۱	درجه ۱		پیشرفته
۰٪	۱۰۰٪	درجه ۲		
۲۰٪	۸۰٪	درجه ۱		در حال پیشرفت
۲۰٪	۳۰٪	درجه ۲		
۳۰٪	۲۰٪			عقب‌مانده
۰٪				

در پرتو شاخصهای کمی می‌توان میزان توانایی کمی جامعه را در پاسخ به اصل نیازها بررسی کرد؛ و در پرتو شاخصهای کیفی می‌توان میزان توانایی کیفی جامعه را در پاسخ به نیازها تعیین نمود. شبیه جداول بالا را می‌توان برای سایر نیازهای یک جامعه نیز در نظر گرفت؛ و در نهایت به مجموعه‌ای از شاخصها و جداول برای سنجش و ارزیابی میزان رشد و عقب‌ماندگی جوامع دست یافت.

۷. هندسه یا شبکه نیازها

اگر ربط منطقی مجموعه نیازهای استقرا شده را نیز در نظر بگیریم، نتیجه را می‌توان «هندسه یا شبکه نیازها» نامید.

به عنوان مثال: وقتی یک نوزاد متولد می‌شود «بسته‌ای از نیازها» نیز با او متولد می‌شود؛ ولی این نیازها فله‌ای نیست؛ یعنی نمی‌توان و نباید به صورت دلخواه و دیمی بدانها پاسخ گفت؛ بلکه پاسخ به نیازهای یک نوزاد تابع منطق خاص خود است که باید آن را شناخت و در چارچوب منطقش به آن پاسخ گفت. غفلت از

این نکته علاوه بر آنکه به روند طبیعی رشد آسیب می‌رساند، حتی ممکن است اصل حیات نوزاد را با خطر مواجه کند.

۸. نظریه راهنما

دستیابی به «هندسه یا شبکه نیازها» همان «نظریه راهنما» یا «نقطه آغاز طراحی الگوی پیشرفت (اعم از اسلامی و غیراسلامی)» است. به عبارت دیگر: هر الگویی از پیشرفت، اعم از دینی و غیردینی، ایرانی و غیرایرانی، شرقی و غربی، و تابع هر مرام و مسلک دیگر یا در چارچوب هر جغرافیا و هر مقطع تاریخی، چاره‌ای جز ابتدا بر و آغاز از هندسه یا شبکه نیازها ندارد. لذا افراد و مراکزی که ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را از جا یا جاهای دیگر شروع کرده‌اند یا به مقصد نخواهند رسید یا دیر و پرهزینه خواهند رسید. بنابراین، توصیه اکید این مقاله آنست که همه علاقمندان به ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای جلوگیری از مباحث زاید و اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و انسانی، ایده موردنظر را در پیوند با نظریه راهنما یعنی هندسه یا شبکه نیازهای صادق انسان پی بگیرند.

۹. نقش اسلامیت در طراحی هندسه نیازها

از آنجا که موضوع بحث ما «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» است لذا توضیح و تبیین نقش دو مقوله «اسلامیت» و «ایرانیت» در دستیابی به الگو ضروری است. «اسلام» دست کم در دو مرحله از طراحی الگو می‌تواند نقش ایفا کند: یکی در طراحی «هندسه نیازها» و دیگری در «کم و کیف پاسخ به نیازها». در این مقاله به «نقش اسلام در طراحی هندسه نیازها» بسنده شده و «نقش اسلام در کم و کیف پاسخ به نیازها» به فرصتی دیگر موکول می‌شود. ناگفته پیداست نوع نگاه نظریه‌پردازان توسعه به انسان در تلقی ایشان از هندسه نیازها مؤثر است. و هندسه نیازها نیز در طراحی کم و کیف الگوی توسعه آنها نقش‌آفرین. دست کم با چهار نگاه به انسان مواجهیم:

(۱) نگاه مادی صرف و منهای اخلاق و دین؛ مانند ملحدان خودپرست دنیاطلب وحشی درنده‌خو با منطق «برو قوی شو اگر عزم زندگی داری - که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است». در این نگاه فقط با نیازهای مادی انسان مواجهیم:

فهرست نیازها براساس نگاه مادی صرف	
نیاز	ردیف
هوا	۱
آب	۲
غذا	۳
دارو	۴
پوشاک	۵
مسکن	۶
بهداشت	۷
لوازم خانگی	۸
گریزه جنسی	۹
مرکب (وسایل حمل و نقل)	۱۰
...	...

۲) نگاه مادی توأم با اخلاق منهای دین، مانند ملحدان انسانگرا و نوعدوست با منطق «بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند - چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار». در این نگاه با دو دسته از نیازها مواجهیم:

نیازهای اخلاقی	نیازهای مادی	
عنوان	ردیف	ردیف
صداقت	۱	۱
عدالت	۲	۲
رحمت	۳	۳
انصاف	۴	۴
مدارا	۵	۵
احترام	۶	۶
محبت	۷	۷
وفای به عهد	۸	۸
تعاون	۹	۹
عفو و گذشت	۱۰	۱۰
...

۳) نگاه معنوی صرف، مانند مرتاضانی که هدف خلقت و آفرینش را رشد معنوی می‌دانند و راه رسیدن به آن را اعراض کامل از دنیا و ما فیها دانسته و به حداقل نیازهای مادی در حد صرفاً حفظ حیات اکتفا می‌کنند؛ و با غرق شدن در آنچه آن را خودسازی می‌پندارند، عملاً دور مسئولیتهای خانوادگی و اجتماعی را خط می‌کشند. در این نگاه، هرچند با دو دسته نیازهای مادی و معنوی مواجهیم؛ اما تمرکز اصلی و بیشترین تمرکز بر نیازهای معنوی است:

نیازهای معنوی	
عنوان	ردیف
میل به شناخت مبدأ هستی	۱
میل به خودشناسی	۲
میل به جاودانگی و خلود	۳
میل به درک فلسفه آفرینش	۴
میل به لقاء و وصال و فناء	۵
...	...

۴) نگاه همه‌جانبه به نیازها اعم از مادی و اخلاقی و معنوی، مانند دین مبین اسلام که همه ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان را به رسمیت شناخته است. این نگاه سبب می‌شود تا هندسه نیازهای انسان مسلمان، متفاوت از هندسه نیازهای سه نگاه دیگر شود. از دیدگاه دین مبین اسلام نیازهای انسان را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱) نیازهای مادی یا حیوانی یا زیستی. چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لو لا الخبز ماصلینا و لاصمنا و لأدینا فرائض ربنا». (حکیمی. الحیاء. ج ۶. ص ۱۲)

۲) نیازهای اخلاقی یا انسانی. با آنکه نیازهای اخلاقی بخش بسیار مهمی از نیازهای همه انسان‌هاست، اما متأسفانه در مباحث توسعه خیلی کم به آن توجه شده و جا دارد در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به صورت کاملاً جدی و پررنگ به آن پرداخته شود. به عنوان مثال: حضرت علی (ع) در نامه شریف و گرانسنگ و تاریخی و جامعه‌ساز و توسعه‌آفرین خود به مالک اشتر، دست‌کم، بر دو نوع نیاز سلبی (صفات منفی حیوانی آنهم حیوانات وحشی، بویژه وحشی درنده) و ایجابی (صفات مثبت و انسانی و اخلاقی و عاطفی)، فارغ از هر گرایش و مسلک و مکتب، تکیه و تأکید کرده است:

- ضرورت اجتناب از خوی توحش + درندگی (لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ).

- ضرورت آراستگی قلب به و لبریز بودن آن از: رحمت + محبت + لطف به مردم (أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ).

بی‌شک نیازهای اخلاقی منحصر در این بخش از فرمایشات حضرت علی(ع) نیست و دستیابی به آن، نیاز به یک استقرای تام در متون اصیل دینی (کتاب و سنت) دارد. اگر چنین تحقیقی تحقق یابد با فهرست جامعی از نیازهای انسانی و اخلاقی مواجه خواهیم بود که پردازش آن فهرست می‌تواند ما را به درکی جامع و نظام‌مند از این نوع نیازها هدایت کند. و در نهایت، به مجموعه‌ای از شاخص‌های انسانی خواهیم رسید که در پرتو آن می‌توان میزان رشد انسانی جامعه را در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اندازه‌گیری کرد. اینکه «چگونه می‌توان مقوله‌های اخلاقی را تبدیل به شاخص‌های کمی و کیفی کرد؟» بحثی است که از حوصله مقاله حاضر خارج است و باید در جای خود بدان پرداخت.

۳) نیازهای معنوی یا الهی. دسته سوم از نیازها، نیازهای معنوی یا الهی یا اخروی است که ریشه در تفکرات و نیازها و گرایش‌های متعالی‌تر و عمیق‌تر انسان دارد. چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «رحم الله امرئ اعد لنفسه و استعد لرمسه و علم من این و فی این و الی این». (شرح اصول کافی صدرا. ج: ۱: ۵۷۱) پس، یکی از آثار اصلی و کلیدی «اسلامیت» نقش آن در طراحی هندسه نیازهاست:

نیازهای انسان از دیدگاه اسلام			
ردیف	نیازهای مادی	نیازهای اخلاقی	نیازهای معنوی
۱	هوا	صداقت	من کیستم؟
۲	آب	عدالت	از کجا آمده‌ام؟
۳	غذا	رحمت	در کجا هستم؟
۴	دارو	انصاف	به کجا می‌روم؟
۵	پوشاک	مدارا	هدف از این آمدن و رفتن چیست؟
۶	مسکن	احترام	میل به خداشناسی
۷	بهداشت	محبت	میل به جاودانگی و خلود
۸	لوازم خانگی	وفای به عهد	میل به انس با اولیاء
۹	غریزه جنسی	تعاون	میل به پرستش
۱۰	مرکب	عفو و گذشت	میل به لقاء و وصال و فناء
...

۱۰. نقش ایرانی‌ت در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

«ایران» نیز از سه جهت می‌تواند در طراحی الگو نقش داشته باشد: عناصر مثبت فرهنگی، منابع طبیعی و منابع انسانی.

فرهنگ ایرانی به عنوان بخشی از فرهنگ شرق، همواره حاوی و حامل عناصر مثبت فرهنگی از قبیل «عقلانیت و عقل‌گرایی» و «معنویت و معناگرایی» و «انسانیت و انسان‌گرایی» و «آداب و رسوم مثبت و مفید» بوده است؛ که می‌توان از آنها در چارچوب آموزه‌های دین مبین اسلام و در راستای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بهره جست.

منابع طبیعی ایران، اعم از سرزمین گسترده و چهارفصل، خاک حاصل‌خیز، آب نسبتاً کافی و مناسب، معادن، جنگلها و حتی مناطق کویری که می‌تواند مانند نفت و گاز یک منبع و سرمایه بزرگ انرژی باشد، همه و همه نعمتهای بزرگ الهی و خدادادی است که می‌تواند در خدمت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باشد. نه تنها نقش انسان در توسعه یک نقش بی‌بدیل است، بلکه عده‌ای آن را محور توسعه می‌دانند. نقش انسان در توسعه از سه بعد قابل توجه است: توان بدنی، سازگاری و ویژگیهای اخلاقی، و بالاتر از همه، توان

مغزی. اگر نگوئیم ایرانیان در این سه بعد، از نظر استعداد، جزء بهترین‌ها هستند بی‌شک بالاتر از متوسط جهانی می‌باشند.

اما در پاسخ به این پرسش که: «اگر ایران و ایرانی چنین ظرفیت و پتانسیلی برای پیشرفت و توسعه دارد پس چرا جزء ۳۰ کشور توسعه‌یافته جهان نیست؟» می‌توان گفت: اولاً پیشرفت و عقب‌ماندگی همانطور که گذشت دارای سه بعد مادی و اخلاقی و معنوی است؛ و بی‌شک ایرانی‌ها در برخی ابعاد، بویژه در ابعاد اخلاقی و معنوی، بویژه از نظر استعداد، خیلی بهتر از کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته هستند؛ ثانیاً همانطور که در حدیث شریفی از پیامبر اکرم (ص) آمده که «ما أخاف علی امتی الفقر ولكن أخاف علیهم سوء التدبیر» یکی از علل اصلی عقب‌ماندگی ایران در بعد توسعه و پیشرفت مادی، سوء تدبیر حاکمان و نظامهای استبدادی بوده است؛ و اکنون که به برکت انقلاب مقدس اسلامی، (که باز نشانه هوش سرشار و همت بلند ایرانی است) بساط نظامهای استبدادی برچیده شده، بستر و شرایط مناسبی برای حسن تدبیر فراهم شده؛ و این امید هست که ایران اسلامی در شرایط جدید بتواند عقب‌ماندگیهای مادی گذشته را نیز بسرعت جبران کند.

۱۱. عوامل مؤثر بر کم و کیف طراحی هندسه نیازها

در طراحی هندسه نیازهای صادق، علاوه بر دو عامل اصلی «اسلامیت» و «ایرانیت»، توجه به چند عامل دیگر لازم است:

- ۱) تحول هندسه نیازها همگام با تحول مراحل رشد و بلوغ انسان.
- ۲) تنوع هندسه نیازها متناسب با جنسیت.
- ۳) تنوع هندسه نیازها متناسب با ساخت و بافت وجودی افراد گوناگون (اعم از ساخت و بافت فیزیولوژیک و روانی).
- ۴) تنوع هندسه نیازها متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم و تربیت اجتماعی و خانوادگی.
- ۵) تنوع هندسه نیازها متناسب با سطح درآمد افراد و خانواده‌ها و جوامع.

۱۱.۱. تحول هندسه نیازها همگام با تحول مراحل رشد

از آنجا که انسان موجودی متحول است لذا در پاسخ به نیازها با یک سلسله نیازهای ثابت و فیکس سروکار نداریم تا یک بسته ثابت و فیکس از پاسخ‌ها برایش آماده کنیم. برای درک تحول هندسه نیازها لازمست مراحل رشد را از نظر بگذرانیم: نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی، پیری. این موجود متحول در هر یک از این دوره‌ها با یک بسته خاص از نیازهای سه‌گانه حیوانی و انسانی و متعالی مواجه است. لذا در طراحی هندسه نیازها برای هر دوره خاص به یک فهرست خاص از نیازها نیازمندیم. به عنوان مثال: یک نوزاد در دوران نوزادی خود به یک بسته خاص از نیازهای سه‌گانه نیاز دارد و همین نوزاد در دوره کهولت به یک بسته کاملاً متفاوت از همان نیازهای سه‌گانه نیاز دارد. پس، ما با یک هندسه از نیازها مواجه نیستیم بلکه با چندین هندسه یا شبکه از نیازها به تناسب مراحل گوناگون رشد انسان مواجهیم:

- ۱) هندسه یا شبکه نیازهای دوره نوزادی؛
- ۲) هندسه یا شبکه نیازهای دوره کودکی؛

- ۳) هندسه یا شبکه نیازهای دوره نوجوانی؛
- ۴) هندسه یا شبکه نیازهای دوره جوانی؛
- ۵) هندسه یا شبکه نیازهای دوره میانسالی؛
- ۶) هندسه یا شبکه نیازهای دوره پیری.

یعنی با آنکه نیازهای فردی با نام A چیزی جز همان نیازهای سه گانه زیستی، انسانی و معنوی نیست، اما «نوع» و «مقدار یا دوز» این نیازها در هر یک از مراحل رشد متفاوت است. به عنوان مثال: انسان در تمامی مراحل رشد خود به غذا نیاز دارد؛ اما نوع غذای یک نوزاد و مقدار آن با نوع و مقدار غذای یک نوجوان یا جوان و ... یکسان نیست. یا انسان در تمامی مراحل رشد خود به مسایل عاطفی نیاز دارد اما نوع و مقدار نیازهای عاطفی کودکان و نوجوانان و جوانان و پیران متفاوت است. همه اینها به «محبت» و «احترام» نیاز دارند؛ اما هم «نوع» محبت و احترام و هم «مقدار و دوز» محبت و احترام در هر یک از این مقاطع سنی متفاوت است. و قس علی هذا نیازهای معنوی را.

لذا نظریه پردازان و طراحان و برنامه ریزان توسعه و پیشرفت باید درکی شفاف و عینی از بسته‌های متفاوت نیازها، متناسب با مراحل رشد انسان داشته باشند.



۲،۱۱. تنوع هندسه نیازها متناسب با جنسیت

«جنسیت» یکی دیگر از ملاکها و معیارهای تنوع هندسه نیازهاست. غفلت از تفاوت‌های جنسیتی و نقش آن در ظهور و بروز نیازهای خاص می‌تواند نقشی بسیار مخرب در طراحی و آرایه الگوهای توسعه و پیشرفت داشته باشد. آیا برآستی بسته نیازهای یک مؤنث با مذکر در ابعاد گوناگون زیستی، انسانی و معنوی یکسان است؟! نمونه‌ای از این تفاوت معنوی را می‌توان در گرایش بیشتر خانمها نسبت به مباحث عرفانی و ذوقی، و گرایش بیشتر آقایان نسبت به مباحث فلسفی و استدلالی ملاحظه کرد. برخی از ریشه‌های ظهور و گسترش جنبشهای فمینیستی را می‌توان در این غفلت دانست.



۳،۱۱. تنوع هندسه نیازها متناسب با ساخت و بافت وجودی افراد گوناگون

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تنوع نیازها در افراد هم‌سال و هم‌جنس و حتی هم‌دین و هم‌ملیت و هم‌...، ساخت و بافت وجودی یا ویژگیهای فردی افراد در دو بعد فیزیولوژیک و روانی است. به عنوان مثال: بی‌شک

بخشی از تنوعی که در تولید شیرخشک برای نوزادان مشاهده می‌شود ناشی از تنوع در ساخت و بافت وجودی افراد است. این تفاوت و تنوع فقط در حد شیرخشک نیست؛ بلکه شامل همه نیازها در حوزه‌های سه‌گانه مادی و انسانی و متعالی می‌شود.

۴.۱۱. تنوع هندسه نیازها متناسب با خرده‌فرهنگها و آداب و رسوم و مسایل تربیتی یکی دیگر از عوامل مؤثر در تنوع نیازها، تفاوت‌های فرهنگی و آداب و رسوم و تربیت اجتماعی و خانوادگی است. لذا در هنگام طراحی هندسه نیازهای یک جمع، بویژه در سطوح ملی و منطقه‌ای و جهانی، توجه به این تفاوتها تا جایی که با چارچوبهای علمی و خط قرمزهای موجه منافات نداشته باشد، ضروری است.

۵.۱۱. تنوع هندسه نیازها متناسب با سطح درآمد سطح درآمد نیز یک عامل بسیار تعیین‌کننده در تنوع هندسه نیازهاست. لذا طراحان الگو در هنگام طراحی هندسه نیازها باید متناسب با سطح درآمد اقشار گوناگون بسته‌های گوناگون هندسه نیازها را طراحی کنند.

۱۲. جمع‌بندی

(۱) توسعه و پیشرفت، چیزی جز توانایی پاسخ به هندسه نیازهای صادق نیست.
(۲) این توانایی ممکن است در سطح فرد یا خانواده یا جامعه باشد؛ لذا با سه سطح از توسعه و پیشرفت مواجهیم: فردی، خانوادگی، اجتماعی.
(۳) هر کس به تناسب مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خود ممکن است تلقی خاصی از نیازهای خود داشته باشد. یکی از علل اصلی تفاوت نظریه‌ها و الگوهای توسعه نیز همین است.
(۳) از آنجا که ما مسلمان و ایرانی هستیم، لذا هندسه نیازهای خود را باید از منابع اسلامی و متناسب با مقدرات و محدودیتها و فرصتها و تحدیدهای کشور خود استخراج و طراحی کنیم.
(۴) از دیدگاه دین مبین اسلام نیازهای انسان را می‌توان به سه گروه اصلی و بزرگ «حیوانی» و «انسانی» و «متعالی» تقسیم کرد.
(۵) پس، نخستین گام در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تمرکز بر بازخوانی و طراحی هندسه نیازهاست.

(۶) اما از آنجا که عوامل متعددی چون «مراحل رشد»، «جنسیت»، «ساخت و بافت وجودی، اعم از فیزیولوژیک و روانی»، «فرهنگ و آداب و رسوم و تربیت اجتماعی و خانوادگی» و «سطح درآمد»، در شکل‌دهی به کم و کیف ظهور نیازها مؤثر است، لذا طراحان الگوی توسعه با یک هندسه از نیازها مواجه نیستند بلکه با انواع هندسه نیازها مواجهند.

(۷) خلاصه آنکه: تکیه و تمرکز بر بازشناسی و طراحی هندسه نیازهای صادق پس از بازشناسی و بازتولید مبانی توسعه (اعم از مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و ...) نقطه آغاز و بهترین اصل راهنما در طراحی همه مدل‌های توسعه، از جمله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشد.

۸) طراحی بسته‌های دوازده‌گانهٔ هندسهٔ نیازهای صادق بهترین راهنمای طراحی الگوی توسعه و پیشرفت، و نیز بهترین شاخص برای ارزیابی میزان پیشرفت و عقب‌ماندگی یک جامعه در دو بعد کمی و کیفی است.